



محمد علی ربانی

« خداوند سعی و کوشش را بر شما لازم شمرده است پس کوشش

نمائید. » « حضرت محمد (ص) »

کارا کارا کوشش و کار، اینست راه موفقیت و افتخار !

کسی که می‌خواهد زنده باشد و جای خود را در این جهان پرآشوب، محفوظ بدارد باید کار کند و رونج ببرد، مثال قدیم عربی می‌گوید : « شترکه خار می‌خواهد گردن دراز می‌کند » مثال قدیم فارسی این معنی را بعبارتی شیرین تر ادا کرده می‌گوید : « کسی که غسل می‌خواهد از نیش زنبور نمی‌ترسد » و باز در این معنی گفته‌اند : « هر که را طاوس باید جور هندوستان کشد ».

مشاهیر تاریخ و رجال بزرگ جهان که نامشان ورد زبان‌ها و داستان اعمالشان نقش دلهاست در نتیجه کار و کوشش به این مقام عالی رسیده‌اند یکی از بزرگان

می‌گوید: «اگر روح شما از کار خسته و فرسوده شود بهتر از آنست که عبارت تبلی نیرویتان را فرو گیرد» کار کنید و تبلی را به خود راه ندهید که کار سرمایه جاودانی است و هیچوقت فنا نمی‌پذیرد...»

گرچه بعید به نظر می‌رسد که در طول تاریخ بشر، هیچ مکتب و آئینی، به نوعی تشویق به کار و کوشش نکرده و یا اینکه از بی‌کاری و تن‌پروری تمجید نموده باشد. لیکن با اندک تأمل و تعمقی در تشویق و ترغیب‌هایی که آئین اسلام به کوشش و کار به عمل آورده و ستایش‌هایی که از آن نموده است و همچنین انتقادهای حتی مبارزاتی که علیه بی‌کاری و تن‌پروری و «کل» بر مردم بودن در متون فرهنگ اسلام دیده می‌شود، این واقعیت را بیان می‌کند که «ارزش و تقدس کار و کوشش در هیچ مکتب و آئینی به پایه مکتب توحیدی اسلام نمی‌رسد.

نکته‌ای را که قبل از هر چیز باید مورد توجه قرار دهیم، توجه به مفهوم صحیح کار است، زیرا چه بسا با عدم توجه به مفهوم صحیح «کار و برداشت عامیانه از آن»، گروهی را به اشتباه در این مورد انداخته است، اصولاً کار و دانش‌های کلی دارد یکی «کار فکری» و دیگری «کار جسمی» و به عبارت دیگر می‌توان چنین گفت: «قسمتی از کارها مستقیماً رابطه تولیدی و بازده اقتصادی دارند، در صورتی که قسمتی دیگر از کارها اینگونه نبوده و گاهی با چندین واسطه چنین بازتابی را خواهند داشت».

اشتباه عمده‌ای از همین جا سرچشمه می‌گیرد که گمان کرده‌اند تنها واژه «کار» به اعمالی چون کارگری، کشاورزی، صنعتگری و امثال ذلک راکه جنبه تولیدی و اقتصادی آنها روشن و آشکار است، اطلاق می‌شود، و فعالیت‌های فکری در قلمرو مفهوم کار نمی‌باشند با اینکه ناگفته بی‌اساس بودن این طرز تفکر، بر همگان معلوم است، نه تنها فعالیت‌های مغزی و فکری دارای ارزش ویژه‌ای بوده و سهم عمده‌ای را در پرورش نظام جامعه ایفاء می‌کند بلکه بدون آنها، کارهای جسمی عقیم و بی‌ثمر خواهد بود، زیرا حل بسیاری از مشکلات زندگی، تنها با فکرواندیشه امکان‌پذیر است، که نمونه روشن و درخشان آن همان نقش حساس رهبری در سعادت و پیشرفت جامعه می‌باشد...

اما با این همه، چون این روزها هر کجا سخن از کار و کوشش می‌آید، بیشتر همان کارهای جسمی و بخصوص کارگران و زحمتکشان منظور است، مانده به ارزیابی نظر اسلام در این خصوص، می‌پردازیم:

کار و کوشش یا روح و معنی زندگی

از دیدگاه قرآن، اساس زندگی راستین و سعادت آفرین بشر، بر دو پایه استوار می‌باشد، یکی «ایمان» و دیگری «کارپسنده» زندگی بدون این دو پایه، بی‌مفهوم و بی‌معنی است، اگر عشق حقیقی که همان ایمان به «الله» است، با تلاش و تحرک و جنبش سازنده و تکامل آفرین که به عمل صالح، تعبیر می‌شود، در جولانگاه زندگی و

نبردگاه حیات دست به یکدیگر ندهند، و یکی از آن دو یا هر دو آنها بدست فراموشی سپرده شوند، زندگی چهره راستین خود را ازدست داده و چون کالبدی بی روح و یادستگاه ماشین بدون موتور می باشد.

«لرد آویبوری» عشق را آتش آسمانی می داند که به روح انسان گرمی می بخشد و هم گفته است «روح انسان درختی است که عشق میوه آنست، آسمانی است که عشق ستاره آنست دریائی است که عشق مروارید آنست».

نامبرده در مورد کار و کوشش می گوید: «غالب مردم کار کردن را یکی از دلایل بدبختی می دانند و مکرر شنیده ایم که می گویند: «بیچاره و بدبختیم باید کار کنیم و نان بخوریم، چه اشتباه بزرگی می کنند!، کار هر چند مشکل و طاقت فرسا باشد اگر با اعتدال همدوش شود مایه سعادت و مسرت است ...»

دهقان و پیشه ور و بازرگان و همه کسانی که اوقات خویش را بانجام کارهای سودمند می گذرنند خوشبخت و آسوده اند که از دسترنج خود ارمغانی بجامعه انسانی داده از ثمرات کار خویش و مسائل خوشبختی دیگران را فراهم می کنند».

عشق و ایمان در انسان جنبش و حرکت به وجود می آورد و تلاش و کوشش به قامت زیبای عشق لباس «عمل» می پوشد و جلوه ارزشمند آن را ترسیم میکند. قرآن کریم این دوستون اصیل زندگی بشر را با بیانی شیوا بیان داشته و فرموده است: «سوگند به روزگار و زمانه، بشریت در حال زیان و در جهت خزان میر می کند، مگر آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دهند (۱)»

ملاحظه می کنید که نویسندۀ انگلیسی، زندگی بدون عشق و کوشش را چیزی جز بویچی و بی مایگی نمی داند، و از طرفی هر گونه کار را موجب سعادت ندانسته. بلکه تصریح نموده است که باید سودمند و موجب خوشبختی باشد، و قرآن مجید قرن‌ها پیش در عصر جهل و ظلمت، با بیانی قاطعانه و تاکیدی آمیز که با سوگند آغاز می شود بر این دو عامل و نیروی حیات آفرین و زندگی ساز، صحنه گذاشته و بدین طریق رمز جهانی و همگانی بودن خود را فاش نموده است.

و در مورد دیگر خطاب به حضرت محمد (ص) فرموده است «به این مردم بگو، به تلاش و کوشش بپردازند که در آینده کوششهای آنان مورد بررسی خدا و رسول خدا و مؤمنین قرار خواهد گرفت» (۲) و این واقعیت را که کوشش، سرمایه جاودانی زندگی است، چنین بیان نموده است: «نیست برای انسان مگر بازتاب عمل و واکنش کارش» (۳) و آنگاه زیان کارترین افراد را اینگونه توصیف کرده است: آنان، کار و تلاششان در دنیا بی ثمر و تباہ بوده و حال آنکه می پنداشته اند: کارهایشان روی اسلوب صحیح انجام

گرفته است (۱)

کار و کوشش و وظیفه‌ای مقدس برای پیامبران

خداوند در سوره انبیاء که فشرده‌ای از شرح حال پیامبران در آن آمده است، پس از آنکه وظیفه و مسئولیت خطیر آنان یعنی رهبری و امامت جامعه را بیان می‌کند، کوشش و تلاش را با تعبیر شیوای «فعل الخیرات» از جمله مأموریت‌های آنان به شمار می‌آورد. (۲)

و در جای دیگر آنان را مورد خطاب رأفت آمیز خود فرار داده است که: «ای پیامبران! ازها کیزه‌ترین نعمت‌هایی که به شما عطا کرده‌ایم تناول نمائید و «کارهای شایسته» بجای آورید که من به کارهای شما عالم و آگاهم». (۳)

خداوند در مقابل نعمت‌ها و اقتدار و حکومتی که به خاندان داود داده است، از آنها «عمل» و «کار» طلب می‌کند و اظهار می‌دارد که: فقط عده کمی از بندگان من می‌دانند که جزای نعمتهای ذاتی و طبیعی، بکار پرداختن است، «اعملوا آل داود شکرًا و قلیل من عبادی الشکور» ای خاندان داود جهت سپاسگزاری از نعمتهای خدا کار کنید، و کمی از بندگان، شکر گذارند. (۴)

یکی از انبیاء «حضرت داود» بر اساس این اصل که رهبر، حق ارتزاق از بیت‌المال را دارد، از این راه امرار معاش می‌کرد، امیر المؤمنین (ع) می‌فرماید: «خداوند به داود وحی فرستاد و فرمود: تونیکو بنده‌ای هستی، اگر از بیت‌المال ارتزاق نمی‌کردی. و برای اداره زندگی دست به کار و کوشش می‌زدی! داود بدین جهت که تا کنون رفتارش مورد پسند خدا نبوده است سخت افسرده و ناراحت گردید و چهل روز گریه کرد تا اینکه خداوند آهن را برایش نرم گردانید، داود از آهن، زره می‌بافت و دیگر از بیت‌المال ارتزاق نمی‌کرد. (۵)

قرآن کریم نیز داستان داود را بیان داشته است که ما فضل و رحمت خویش را بر داود ارزانی داشتیم... آهن را برایش نرم کردیم تا او بوسیله آن زره بیافد، و بدو گفتیم: در کار هادقت کامل بجای آور (۶) و پیامبر اکرم می‌فرمودند: بهترین طعام آنست که انسان از دسترنج خود بدست آورد و همانا حضرت داود از دسترنج خویش

۱- الکهف/ ۱۰۳-۱۰۴

۲- انبیاء/ ۷۳

۳- مومنون/ ۵۱

۴- سبأ/ ۱۳

۵- وسائل الشیعه ج ۲ ص ۲۲

۶- سوره صبا آیه ۱۰ و ۱۱

کوشش که همپایه جهاد است

تلاش و زحمت برای رفاه و آسایش خود و خانواده و خدمت به جامعه از دیدگاه اسلام نوعی عبادت است، قرآن آن را بانماز پیوند زده پس از آنکه دستور تشکیل نماز جماعت می‌دهد و مردم را جهت برقراری رابطه بندگی و پرستش با آفریدگار فرا می‌خواند بلافاصله فرمان می‌دهد تا پس از فراغت و اتمام نماز، در میدان زندگی و صحنه زمین پراکنده گردند، و تلاش و کوشش خویش را از سرگیرند. (۲)

و این پیوندی است که قرآن بین نماز یعنی ستون دین و کوشش، یعنی روح زندگی برقرار کرده است و این کار و کوشش شایسته و سودمند چنان موقعیت حساس را در فرهنگ اسلام احراز کرده است که همپایه «جهاد»، «که خود دروازه بهشت بشمار می‌رود و خداوند آنرا برای برجسته‌ترین بندگانش معین کرده است» (۳) گردیده است.

بندگان، شکرگذارند. (۴)

یکی از انبیاء «حضرت داود» بر اساس این اصل که رهبر، حق ارتزاق از بیت‌المال را دارد، از این راه امرار معاش می‌کرد، امیر المؤمنین (ع) می‌فرمایند: «خداوند به داود وحی فرستاد و فرمود: تونیکو بنده‌ای هستی، اگر از بیت‌المال ارتزاق نمی‌کردی. و برای اداره زندگی دست به کار و کوشش می‌زدی! داود بدین جهت که تاکنون رفتارش مورد پسند خدا نبوده است سخت افسرده و ناراحت گردید و چهل روز گریه کرد تا اینکه خداوند آهن را برایش نرم گردانید، داود از آهن، زره می‌بافت و دیگر از بیت‌المال ارتزاق نمی‌کرد. (۵)

قرآن کریم نیز داستان داود را بیان داشته است که ما فضل و رحمت خویش را بر داود ارزانی داشتیم... آهن را برایش نرم کردیم تا او بوسیله آن زره بیافند، و بدو گفتیم: در کار هادقت کامل بجای آور (۶) و پیامبر اکرم می‌فرمودند: بهترین طعام آنست که انسان از دسترنج خود بدست آورد و همانا حضرت داود از دسترنج خویش زندگی می‌کرد. (۷)

کوشش که همپایه جهاد است

۱- نهج الفصاحه اندرز/ ۲۶۲۰

۲- سوره جمعه

۳- نهج البلاغه

۴- سبأ/ ۱۳

۵- وسائل الشیعه ج ۲ ص ۲۲

۶- سوره صبا آیه ۱۰ و ۱۱

۷- نهج الفصاحه اندرز/ ۲۶۲۰

تلاش و زحمت برای رفاه و آسایش خود و خانواده و خدمت به جامعه از دیدگاه اسلام نوعی عبادت است، قرآن آن را بانماز پیوند زده پس از آنکه دستور تشکیل نماز جماعت می‌دهد و مردم را جهت برقراری رابطهٔ بندگی و پرستش با آفریدگار فرا می‌خواند بلافاصله فرمان می‌دهد تا پس از فراغت و اتمام نماز، در میدان زندگی و صحنه زمین پراکنده گردند، و تلاش و کوشش خویش را از سرگیرند. (۱)

و این پیوندی است که قرآن بین نماز یعنی ستون دین و کوشش، یعنی روح زندگی برقرار کرده است و این کار و کوشش شایسته و سودمند چنان موقعیت حساس را در فرهنگ اسلام احراز کرده است که همپایهٔ «جهاد»، «که خود دروازه بهشت بشمار می‌رود و خداوند آنرا برای برجسته‌ترین بندگانش معین کرده است» (۲) گردیده است.

و حضرت صادق (ع) فرموده‌اند: «کسی که در راه تأمین رفاه و آسایش عیال و خانواده‌اش به کار و کوشش اقدام کند، چون مجاهد و جان‌باختهٔ راه خدا است» (۳)

محمد بن منکدر می‌گوید: «به طرف و نواحی و مناطق اطراف مدینه گذرمیکردم در حالی که هوا به شدت گرم بود، در این حال حضرت باقر (ع) را دیدم که مشغول کار و زراعت است، با خود گفتم باید بروم و او را موعظه کنم که چرا باید یکی از بزرگان قریش در این هوای گرم و با این شرایط برای دنیا خود را به زحمت طاقت فرسائی دچار کرده باشد؟! پس از این که به محض او رسیدم و سلام کردم و گفتم: «چه می‌کنی اگر در این حالت مرگ شما فرازد؟ حضرت در جواب فرمودند: اگر در این موقع مرگ من را رسد بسی شادمانم که من در اطاعت و عبادت خدا هستم، که بوسیله کار و کوشش زندگی خود و خانواده‌ام را اداره می‌کنم و به تو و دیگر مردم نیازی ندارم، تنها ترس و وحشت من آنست که وقتی مرگ من فرا رسد که من در معصیت خدا باشم، محمد بن منکدر گوید: به امام عرض کردم، راست گفتی خداوند شما را رحمت کند، من خواستم شما را موعظه کنم لیکن شما را نصیحت فرمودید. (۴)

دعای بیکار اجابت نمیشود

اسلام بابتی کاری و تن‌پروری شدیداً مبارزه می‌کند، و آنرا علت بسیاری از مفسدات و بدبختی‌ها می‌داند، و رهبران اسلام از دوراه با این فاجعه خطرناک مبارزه نموده‌اند، اول اینکه خود با جدیت و علاقه بسیار و در شدیدترین حالت‌ها، کار می‌کرده‌اند. تا بدین وسیله به مردم بیاموزند که کار کردن نه تنها ننگ و عار به شمار نمی‌رود بلکه برای انسان کسی از بزرگترین افتخارات است و ثانیاً در سخنان و پیام‌های خویش از کار و کوشش تمجید فراوان

۱- سوره جمعه

۲- نهج البلاغه

۳- وسائل ج ۱۲ ص ۴۳

۴- « » « » ص ۱۰

کرده و بیکاری را بسیار مذمت نموده‌اند.

« زراره یکی از اصحاب گرانقدر امام باقر و امام صادق (ع) می‌گوید: مردی خدمت امام صادق آمده عرض کرد: دستم علیل است و نمی‌توانم کار و تجارتی داشته باشم و داربری محتاج و نیازمندم، امام صادق (ع) به او فرمودند: به وسیله سرت برخی از بارها را حمل کن و بدین صورت از دست‌نگری دیگران بپرهیز! (۱)

رسول اکرم (ص) هرگاه به فردی برخورد می‌کردند که دارای جثه‌ای قوی می‌بود از او دوباره کار و شغلش سؤال می‌کرد، اگر می‌گفت: کار نمی‌کنم حضرت باو می‌فرمودند: از چشم من افتادی! (۲)

علی فرزند عبدالعزیز می‌گوید: «حضرت صادق (ع) از من سؤال کردند: محمد بن مسلم به چه کاری مشغول است؟ عرض کردم دست از تجارت برداشته و مشغول عبادت و تهجد گردیده‌ام، امام با شنیدن این حرف به خشم آمده فرمودند: «وای بر احوالش آیا نمی‌داند که عبادت و دعای کسی که دست از کار و کوشش بکشد، پذیرفته نمی‌شود؟ و سپس اضافه کردند گروهی از اصحاب پیغمبر (ص) پس از نزول این آیه «ومن یتق الله یجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لایحتسب» خداوند برای تقوای پیشگان گذرگاه نجات قرار داده و آنها را از راهی که گمان ندارند رزق می‌بخشد، درهای خانه‌هایشان را به روی خود بسته و به عبادت پرداختند این جریان به اطلاع پیامبر رسید، حضرت برای آنان پیغام فرستاد که چه باعث شده است که این روش را پیشه خود نموده‌اید؟ در جواب گفتند: بدین علت که خداوند کفالت رزق ما را کرده است، حضرت در پاسخ آنان فرمودند: کسی که بدین طریق عبادت نماید، پذیرفته نمی‌شود، بر شما باد کوشش و تلاش (۳)

این بود دورنمایی از نظرگاه بلند اسلام در مورد کار و کوشش و ارزش ویژه و پایگاه رفیع کار در مکتب مقدس اسلام.

بقیت: کوفانهائی در پیش است نهر سید .	انواع ناراحتیها و ناملازمات شدند آنچنان
می‌دهد و صریحاً اعلام می‌دارد: ۴۱	(کار به استخوان نشان رسید) که پیامبر و
حسبتم ان تدخلوا الجنة ولما یاتکم	افرادی که ایمان آورده بودند) از شدت
مثل الذین خلوا من قبلکم مستهم	ناراحتی) گفتند: پس یاری و کمک خداکی
البساء والضراء و زلزلوا حتی یقول	فرامی‌رسد؟ (اما به آنها گفته شد) آگاه
الرسول و الذین آمنوا معه متی	باهیداری خدا نزدیک است (بقره ۲۱۴)
نصرا لله الا ان نصر الله قریب:	آری این سنت آفرینش در همه انقلابها
«آیا چنین پنداشتید که داخل بهشت	است، مانیز نباید غیر از آن انتظار داشته
می‌شوید بی آنکه حوادثی همچون حوادث	باشم .
گذشتگان به شما برسد، همانها که گرفتار	

۱- گفتار فلسفی جوان از نظر عقل و احساسات

۲- جوان از نظر عقل و احساسات

۳- وسائل ج ۱۲ ص ۱۵